



گپی با سودابه فضایی درباره کتاب سیر تحول موسیقی ایران به بهانه کسب جایزه کتاب سال ترجمه

# بل نیست، مثل یک آبنبات

ندا سپاسگزار

نام سودابه فضایی را طی سال‌های اخیر ترین یا فرهنگ چند جلدی نماینده راز شکسپیر و... می‌شناسیم، مترجم و پژوهشگری دقیق و بی‌سروصدا که در سکوت کارهایی ارزگمند را به ثمر می‌رساند، اما این بار سکوت کاری او با قرار گرفتن نامش در میان اسامی برنده کتان جایزه کتاب سال شکست. فضایی اسنابل برنده رشته ترجمه کتاب سال بود، برای ترجمه کتابی به نام سنت و تحول در موسیقی ایرانی، نوشته مورینگ که بیست سال پیش از او ترجمه کرده بود و اسنابل تازه پس از بیست سال این ترجمه چاپ شده، اما سرنوشت این کتاب بیست سال پیش از او ترجمه شده و مترجمش حکایتی شنیدنی است.

ناشرین هنر معرفی و عرضه کتاب را دارند و توس از این جمله است.

دورینگ دفعه قبل هم که من او را دیدم می‌گفت که بیست سال پیش نخستین کسی که این اطلاعات را نوشت من بودم و خیلی ناراحت بود که این همه سال چاپ کتاب طول کشیده. به هر حال مترجم اگر خودش صاحب کتاب باشد ماهی یک بار اعصاب ناشر را با تماس هایش خرد می‌کند، ولی خوب در مورد این کتاب دورینگ که ایران نبود، کتاب هم متعلق به انجمن ایران و فرانسه بود.

○ جایزه برای ترجمه شما اهداء شد، یا برای محتوای کتاب؟

ظاهر برای ترجمه بود

○ ترجمه هر مترجمی به روز بهتر و پخته‌تر می‌شود نکته جالب این جاست که طی این سال‌ها کتاب‌های دیگری که شما ترجمه کردید به این شکل دیده نشده و این یکی جایزه برده؟

بله جالب است اما نکته جالب‌تر نحوه اطلاع پیدا کردن من بود از بردن این جایزه.

○ چگونه؟

یکی از دوستان خیرنگار با من تماس گرفته بود که بابت این جایزه مصاحبه کند، اوایل صحبت‌مان فکر کردم برای جلد چهارم فرهنگ نمادها زنگ زده ولی او گفت برای کتابی که جایزه سال را برده زنگ می‌زنم و اسم کتاب را گفت، کلی تعجب کردم. با توس تماس گرفتم، گفتند بله ما دنبال شما می‌گشتیم که خبرتان کنیم، از آن جا شماره ارشاد

صدق می‌کند. اصولاً ما آدم‌هایی هستیم که خیلی برای الان زندگی نمی‌کنیم ضمن این که کتاب‌هایی از این دست اصولاً کتاب مرجع هستند. نقدی که دورینگ از موسیقی همان زمان یعنی بیست سال پیش می‌کند آن قدر مهم نیست که توضیحات بخش کارشناسی و آموزش کتاب در قالب یک کتاب قابل مراجعه مهم است. جنبه غالب این کتاب مرجعیت آن است مثل معرفی موسیقی دان‌ها، ردیف‌ها...

○ حُخَب حالا برسیم به ماجرای سفر طولانی این کتاب از مرحله ترجمه تا چاپ، راستی چرا بیست سال طول کشید تا کتاب چاپ بشود؟

حقیقت این است که کتاب متعلق به انجمن ایران و فرانسه بود و آن‌ها برای ترجمه به من سفارش داده بودند بعد از پایان ترجمه، دورینگ کتاب را داد به نشر نقره که سرنوشت این نشر را هم که می‌دانید، ۵ سال کتاب در نشر نقره ماند، بعد از این که نشر نقره نتوانست کار را چاپ کند، دورینگ کتاب را به نشر توس و آقای باقرزاده سپرد، طی این مدت هم دورینگ سه یا چهار بار به ایران آمد و هر بار هم از توس تماس می‌گرفتند که یک بازبینی در کتاب انجام شود تا برای چاپ آماده باشد، که نشد اما هنوز هم من معتقدم که اگر این کتاب معرفی شد و جایزه کتاب سال را برده این دلیل بود که توس آن را چاپ کرد و گر نه طی این سال‌ها خود من کتاب‌های بسیاری داشته‌ام از جمله راز شکسپیر، موسیقی و عرفان، روح نغمات فرهنگ نمادها و... به هر حال برخی از

○ خانم فضایی کمی درباره محتوای کتاب توضیح بدهید.

کتاب در مورد موسیقی ایرانی، دستگاه‌ها، سازها، پیشکسوتان در سبک‌های مختلف نحوه ساخت سازهای ایرانی، سیر تحول موسیقی و سازها و ردیف‌های موسیقی ایرانی بحث می‌کند و پیشکسوتان موسیقی سنتی و علمی را از هم جدا می‌کند. کتاب مبنای حرفه‌ای و علمی قوی دارد چرا که دورینگ ۱۱، ۱۰ سال در ایران به سر برده، فارسی را خوب یاد گرفته، چگونگی ساز و سه تارا خوب می‌نوازد و نواختن آن‌ها را در محضر استادان فن فرا گرفته، به هر حال او کسی است که نخستین کتابش «درآمد ردیف میرزا عبدالله» بوده و همین نشان دهنده علاقه، تسلط و نگاه کارشناسانه او به موسیقی ایرانی است. در انتهای کتاب هم دورینگ بحثی دارد درباره موسیقی فعلی (بیست سال پیش) ایران و نقد این نوع موسیقی که در زمان نوشتن کتاب اطلاق عنوان «موسیقی امروز» به این بخش. عجیب نبوده!

○ قبل از این که سئوالات دیگر را ببرسم، می‌خواهم بدانم وقتی بعد از بیست سال قرار شد کتاب چاپ بشود چرا مکاتبه‌ای با دورینگ نکردید که دست کم این بخش انتهایی کمی به روزتر شود و مواردی به آن اضافه بشود؟

این که شما می‌گویید، البته پیشنهاد بسیار دل‌انگیزی است ولی متعلق به جامعه ما نیست. خود شما می‌دانید این مسئله قدیمی بودن مواردی از کتاب مسئله‌ای است که در زمینه خیلی از کتاب‌ها

کتاب این قدر از من دور شده بود که باورم نمی شد  
جایزه ببرد.

○ این که خیلی از زمان ترجمه کتاب گذشته  
قبول، اما به همین دلیل می خواهم پیرسم چه  
حسی دارد بعد از بیست سال یک باره به این  
ترتیب جایزه کتاب سال را تصاحب کردن؟  
- راستش من ابتدا یک کمی عصبانی شدم که چرا  
این کار مربوط به بیست سال پیش انتخاب شده  
اما بعد فکر کردم همین حد از قدردانی هم بد  
نیست. مثل آب نباتی است که به یک بچه می دهند  
بدش نمی آید حتی اگر نیم ساعت پیش آب نبات  
خورده باشد. اما معتمد که اگر این کار برای تشویق  
است من این شوق را آن قدر دارم که طی این  
چهل سال همچنان کارم را با همه دشواری های  
موجود ادامه دادم. ما - یعنی مترجم ها - اساساً این  
روزها یک رقیب عمده داریم و آن هم اینترنت  
است، مردم کم کتاب می خوانند، حالا با وجود  
اینترنت اصلاً نمی خوانند. ترجمه های من هم که  
بیشتر تخصصی است و اگر قرار بود به این موارد  
به شکل تشویقی نگاه کنم، که تازه کارم راه بیافتد،  
باید کار را تعطیل می کردم. اما در حد قدردانی  
لذت بخش است دست کم خوشحالم از این که  
کارم خواننده و نقد شده است، شنیده ام که  
نسخه های محدودی از کتاب باقی مانده با این  
تیراژ ۳۰۰۰ تایی بد هم نیست هر چند که البته  
علتش کمبود کتاب های تخصصی هم هست.  
○ مظهر آقرار بود اسم کتاب تغییر کند، این ماجرا  
چطور شد؟

- ویرایش فنی کتاب را دکتر صفوت انجام دادند  
چون لازم بود که یک فرد آگاه و حرفه ای در  
موسیقی این کار را بکند و من هم به همین دلیل  
ترجمه را به ایشان تقدیم کردم. به خصوص که  
ایشان استاد دورینگ هم بود. اما دکتر صفوت  
می گفت گر چه که این اسم فعلی یعنی سنت و  
تحول در موسیقی ایرانی، ترجمه کلمه به کلمه  
عنوان کتاب است اما بهتر است که عنوان کتاب  
«سیر تحول موسیقی در ایران» انتخاب بشود و  
بادورینگ هم صحبت کرده بود که این طور بشود.  
کتاب با این نام آماده شده بود ولی من در کتاب  
نام کسی را دیدم که اصلاً نمی شناسمش و ایشان  
ظاهراً مقابله ترجمه فارسی با متن اصلی را انجام  
داده که البته هیچ اتفاقی در سیر این مقابله نیفتاده  
مگر عوض شدن عنوان اصلی کتاب و باز گرداندن  
همان اسم قبلی آن هم بدون این که کسی از من  
سؤال کند. به هر حال این مسائلی آن قدر در ایران  
اتفاق می افتد که باید به آن عادت کرد، بهتر است  
بگذریم.



معتمد که اگر این کار برای تشویق است من این شوق را آن قدر  
دارم که طی این چهل سال همچنان کارم را با همه دشواری های  
موجود ادامه دادم. ما - یعنی مترجم ها - اساساً این روزها یک رقیب  
عمده داریم و آن هم اینترنت است، مردم کم کتاب می خوانند، حالا  
با وجود اینترنت اصلاً نمی خوانند

سال بوده در ایران تمام شده و من خبری از او  
ندارم. اما بعید می دانم چون حتی از انستیتوی ایران  
و فرانسه نیز با من تماس نگرفتند.

○ شما کتاب های دیگری هم از دورینگ ترجمه  
کرده اید به نظر خودتان از نظر ارزش محتوایی  
کدام کتاب او ارزش بیشتری دارد؟  
- من بعد از همین کتاب سنت و تحول، موسیقی  
و عرفان را ترجمه کردم که به چاپ دوم رسید و  
وجه مردم شناسی بسیار قوی داشت و بعد هم  
روح نغمات را ترجمه کردم که به چاپ پنجم  
رسید و این کتاب هم از نظر بررسی زندگی و آثار  
یک موسیقی دان و نحوه نگاه و نقدی که در آن  
هست کار ارزشمندی است، به نظر من در هر  
دوی این کتاب ها ارزش تحقیقی خیلی بیشتر از  
«سنت و تحول در موسیقی ایرانی» است، در واقع

را دادند، رنگ زدم، گفتند بله اسم شما در لیست  
هست، ساعت ۱۱ برایم کارت فرستادند، ۲  
بعد از ظهر من در مراسم شرکت کردم!  
ولی آن چه که امسال توجه مرا در این مراسم جلب  
کرد این بود که بیشتر جایزه ها به کتاب هایی با  
وجه علمی داده می شد که از بین ۷۰۰۰ عنوان  
رسیده به دبیرخانه جایزه انتخاب شده بودند و  
مجموعاً ۱۲۰۱۰ عنوان بودند. اما قطعاً این ۷۰۰۰  
عنوان هم عناوینی بودند که ناشرین همت کرده  
و به دبیرخانه فرستاده بود و گر نه تعداد کتاب های  
خوبی که در سال چاپ می شود بیشتر از  
این هاست.

○ دورینگ متوجه شد که شما و کتاب جایزه را  
برده اید؟  
- نمی دانم، چون دوره ماموریت دورینگ که چهار